

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاه روسیه به داعش: ماهیت، توسعه و دورنما

◇
گزیده پژوهش‌های جهان: نگاه روسیه به داعش: ماهیت، توسعه و دورنما
بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -
معاونت پژوهشی
ترجمه و تلخیص: دکتر علیرضا نوری
تاریخ انتشار: ۹۵/۱۱/۲
تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵
صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵
نشانی اینترنت: www.tisri.org
کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به
هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



خلاصه اجرایی

داعش در متن تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه به‌واسطه دخالت‌های خارجی خاورمیانه رشد کرده و در این بین، تضعیف نهادهای دولتی به‌دلایل مختلف و آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای منطقه نیز زمینه مساعدتری را برای قدرت‌یابی و تثبیت آن فراهم آورده است. خلأ قدرت به‌وجودآمده در شماری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به‌واسطه این دخالت‌ها باعث بروز هرج‌ومرج شده است و این خلأ را به‌تدریج تروریست‌ها و افراط‌گرایانی چون «داعش» پر می‌کنند. داعش تهدیدات مختلفی را از بی‌ثباتی در منطقه و به خطر انداختن منافع مسکو در کشورهای خاورمیانه تا تهدید مستقیم در خاک این کشور با اقدامات تروریستی ایجاد می‌نماید. در این بین، تقویت تحرکات این گروه در افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی می‌تواند جغرافیای تهدید را به مرزهای روسیه بکشاند و امنیت آن را بیش‌ازپیش به خطر اندازد. از سوی دیگر، اقدامات مختلف ضد داعش - چه در قالب اقدامات دولت‌های عراق و سوریه و چه دخالت‌های فرامنطقه‌ای به شکل عملیات نظامی روسیه و یا ائتلاف آمریکا - سبب کاهش مرزهای جغرافیایی و قدرت این گروهک شده است. جریان انتقال پول و نیروهای جدید نیز به این گروهک در مقایسه با گذشته کندتر شده و به‌تبع آن، توان عملیاتی داعش نیز کاهش یافته است. با این حال، زمینه‌های رشد و ماندگاری این گروهک در منطقه از بین نرفته است و همچنان تناقضات و اختلافات سیاسی، مشکلات اقتصادی - اجتماعی، تقابل‌های مذهبی و قومی و دخالت‌های خارجی، بستر لازم برای فعالیت هرچند محدود داعش را حفظ می‌کنند. در این وضعیت، ادامه حیات این گروهک بستگی زیادی به روند آتی این وضعیت‌ها دارد. مهم‌ترین نکته در مقابله با داعش مبارزه با ایدئولوژی این گروهک از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی در کشورهای منطقه است. عملیات نظامی علیه داعش فقط بخشی از مشکلات را حل خواهد کرد و برای نابودی کامل آن در وهله نخست باید شرایط نظام‌مندی را برای احیاء دولت‌های مرکزی در عراق، سوریه و لیبی فراهم کرد و هم‌زمان با اقدامات مختلف فرهنگی و



اجتماعی از داعش در این کشورها و در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا سلب مشروعیت کرد. درعین حال، باید اقدامات پیشگیرانه امنیتی و فرهنگی برای ممانعت از قدرت‌یابی این گروهک و هواداران آن در آسیای مرکزی و افغانستان نیز مطرح نظر قرار گیرد. لذا، مقابله با داعش نیازمند استفاده از ترکیبی از ابزارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و باید با نگاهی بین‌المللی و در چهارچوب بین‌المللی، این ابزارها و نیروهای مقابله‌کننده با داعش در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هماهنگ شوند.



نگاه روسیه به داعش: ماهیت، توسعه و دورنما^۱

داعش: ماهیت، توسعه و دورنما

خاورمیانه به‌طور سنتی عرصه آشفتگی‌های سیاسی و نظامی است. اوضاع این منطقه از اواخر قرن پیش با تغییرات بنیادی روبه‌رو شده است. سال ۲۰۱۵ مملو از تحولات و چالش‌ها بود و نه‌تنها روند عادی‌سازی در این منطقه و کشورهایی از آن که با درگیری‌های دائم مواجهند مشاهده نشد، بلکه تنش‌ها شدیدتر هم شد. مردم این منطقه نیز همانند دهه‌های پیش در رنج پیامدهای شدید ناشی از مشکلات اجتماعی - اقتصادی، سیاسی، جمعیت‌شناختی، اکولوژیکی و دیگر چالش‌ها هستند.

پنج سال «بهار عربی» نشان داد که غرب و برخی کشورهای منطقه مثل سابق برآنند که با استفاده از تغییرات و تحولات ژئوپولیتیکی به نفع خود، روندها را به راستای منافع خود هدایت کنند؛ به‌همین دلیل، ولادیمیر پوتین در سخنرانی خود در هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل (۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵) دخالت تهاجمی خارجی را یکی از عوامل مهم مشکلات فعلی خاورمیانه دانست که منجر به آن شده است که دولت، نهادهای دولتی و حیات اجتماعی، به‌جای بهبود به نحو غیرقابل‌کنترلی در معرض نابودی قرار گیرند. به‌جای دموکراسی و پیشرفتِ وعده داده‌شده نیز منطقه شاهد خشونت و فقر و فاجعه اجتماعی است. آشکارا قابل فهم است که خلاً قدرت به‌وجودآمده در شماری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به‌واسطهٔ این دخالت‌ها باعث بروز هرج‌ومرج شده و این خلاً را به‌تدریج

۱. این متن ترجمه و تلخیصی است از:

«Исламское государство»: феномен, эволюция, перспективы»؛ گروه نویسندگان به سرپرستی الکساندر اُرفوف، مطالعات بین‌الملل وابسته به دانشکده روابط بین‌الملل وزارت خارجه روسیه، Jan 2016.



تروریست‌ها و افراط‌گرایان پُر می‌کنند. داعش نمونه‌ای از این دست و گروهی برآمده از این شرایط است که در شاکله آن ده‌ها هزار جنگجو فعالند. لذا، فرض اینکه داعش در «خلأ» به‌وجود آمده اشتباه است. مهم‌تر اینکه از این گروهک در ابتدای شکل‌گیری آن به‌عنوان ابزاری در مقابل دولت‌های سکولار منطقه استفاده شده است.

با گذشت زمان، داعش با استقرار پایگاه خود در سوریه و عراق فعالانه به‌دنبال توسعه فعالیت خود به سایر کشورهای منطقه بوده و هدف آن توسعه نهایی فعالیت خود نه‌تنها به جهان اسلام که به کل جهان است؛ به‌همین دلیل، تهدید ناشی از این گروهک را باید در سطح «بیش از خطرناک» درجه‌بندی کرد. داعش اساساً پدیده‌ای پیچیده، مبهم و مرکب است. از دیگر دلایل شکل‌گیری و توسعه این گروهک بروز چالش در شکل‌بندی‌های سنی دولت و قدرت دولتی در منطقه است. این نیز خود زاینده مرزبندی‌های مصنوعی در خاورمیانه است که طی تاریخ شکل گرفته و در طول زمان همواره محل مناقشه دولت‌ها بوده است. در این بین، دخالت غرب باعث تضعیف بیشتر دولت و نهادهای دولتی شده و زمینه را برای استفاده نیروهای افراط‌گرا و تروریست ناشی از خلأ و ضعف کنترلی و انتظامی دولت‌ها به‌وجود آورده است.

در عین حال، تحولاتی نیز در منطقه طی قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم باعث تحول در وضعیت اسلام و توسعه روندها و گروه‌های اسلام‌گرا شده‌اند؛ از جمله:

۱. قدرت‌یابی گروه‌های جدید اسلامی با قرائت‌های متفاوت در آسیا و آفریقا؛
 ۲. افزایش ناراضیاتی اجتماعی در کشورهای مسلمان در شرایط جهانی شدن؛
 ۳. انقلاب اسلامی در ایران و انعکاس‌های انگیزشی آن؛
 ۴. تقویت روندهای اسلامی به‌تبع شکست دولت‌های اسلامی در تقابل با رژیم صهیونیستی؛
 ۵. کمک‌های عربستان و سایر کشورهای اسلامی به توسعه اسلام [وهابی] در کشورهای منطقه؛
 ۶. تغییرات در سیاست بین‌الملل بعد از فروپاشی شوروی و قطع حمایت قدرت‌ها از دولت‌های سکولار اسلامی که باعث تضعیف آنها در برابر دخالت‌های خارجی و گروه‌های داخلی شد.
- داعش در متن این تحولات به‌ویژه به‌واسطه دخالت‌های اخیر خارجی در منطقه رشد



کرده و در این بین، تضعیف نهادهای دولتی به دلایل مختلف و آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای منطقه نیز زمینه مساعدتری را برای قدرت‌یابی و تثبیت آن فراهم آورده است.

در این بین، اوضاع خاورمیانه برای روسیه هم به لحاظ تأمین امنیت ملی و تحقق منافع سیاست خارجی و هم به دلیل اهمیت توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای خاورمیانه از نظر راهبردی مهم شده است. با وجود این، نقش ویژه روسیه در خاورمیانه خوشایند همه نیست. برخی قدرت‌های متنفذ منطقه‌ای و فرماندهان ای میل به تضعیف اساسی جایگاه اقتصادی، سیاسی و نظامی مسکو در این حوزه پیچیده و خطرناک هستند که یکی از گره‌های کور ژئوپولیتیک جهانی و در عین حال ثروتمند به لحاظ منابع طبیعی به شمار می‌رود. مسکو در چنین منطقه‌ای و در چنین شرایط بین‌المللی پیچیده‌ای رهبری مبارزه با جبهه اول تروریسم بین‌المللی یعنی داعش را بر عهده گرفته و با عملیات نظامی خود در سوریه و اعمال ضربات قابل ملاحظه به زیرساخت‌های تروریست‌های داعش در این کشور، موفق به تغییر شرایط در سوریه و منطقه شده است.

داعش تهدیدات مختلفی را از بی‌ثباتی در منطقه و به خطر انداختن منافع مسکو در کشورهای خاورمیانه تا تهدید مستقیم در خاک این کشور با اقدامات تروریستی ایجاد می‌نماید. در این بین، تقویت تحرکات این گروه در افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی می‌تواند جغرافیای تهدید را به مرزهای روسیه بکشانند و امنیت آن را بیش از پیش به خطر اندازد.

در ارزیابی‌های کارشناس روس، احتمال قدرت‌یابی ساختاری داعش اندک فرض می‌شود؛ زیرا بسیاری از لازمه‌های ساختاری از جمله: سرزمین، حاکمیت و شناسایی از سوی این دولت‌ها برای داعش اتفاق نخواهد افتاد. لذا، این گروهک فقط می‌تواند به صورت نامتقارن ادامه حیات دهد، با اقدامات غیرقانونی تأمین مالی شود و به تهدیدهای نامتقارن خود ادامه دهد، هرچند تشکیل دولتی در قامت دولت‌های معاصر نیز هدف داعش نیست و این گروهک بر اساس تئوری خود به دنبال نوعی «خلافت اسلامی» است که با مفاهیم دولت معاصر متفاوت است. در این مدل حکومت مفاهیمی چون: مرز و حقوق بین‌الملل فعلی پذیرفته شده فاقد معنی است.

در این بین، اقدامات ضد داعش مختلف چه در قالب اقدامات دولت‌های عراق و سوریه و



چه دخالت‌های فرامنطقه‌ای به شکل عملیات نظامی روسیه و یا ائتلاف آمریکا سبب کاهش مرزهای جغرافیایی و قدرت این گروهک شده است. جریان انتقال پول و نیروهای جدید نیز به این گروهک در مقایسه با گذشته کندتر شده و به تبع آن، توان عملیاتی داعش نیز کاهش یافته است. با این حال، زمینه‌های رشد و ماندگاری این گروهک در منطقه از بین نرفته و همچنان تناقضات و اختلافات سیاسی، مشکلات اقتصادی - اجتماعی، تقابل‌های مذهبی و قومی، و دخالت‌های خارجی بستر لازم را برای فعالیت هرچند محدود داعش حفظ می‌کنند. در این وضعیت، ادامه حیات این گروهک بستگی زیادی به روند آتی این وضعیت‌ها دارد.

اما مهم‌ترین نکته در مقابله با داعش مبارزه با ایدئولوژی این گروهک از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی در کشورهای منطقه است و در این خصوص، باید توجه کرد که اساساً چه اسلامی در مساجد تبلیغ می‌شود. قطع حمایت‌ها و درآمدهای مالی داعش نیز اهمیت خاصی دارد. افزون‌براین، کمک به هماهنگی با نیروهای منطقه‌ای که با داعش در حال نبرد هستند و همچنین هماهنگی قدرت‌های بزرگ در نهادهای مختلف از جمله: در سازمان ملل نیز اهمیت زیادی دارد. لذا، برای مقابله مؤثر با داعش نه تنها نیروهای داخلی در سوریه و عراق، بلکه توان نیروهای منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز باید بسیج شوند و در راهبردی مشخص هماهنگ گردند.

باید توجه داشت که پیشبرد روندهای یک‌جانبه در خاورمیانه و دخالت در این منطقه به شکل تحمیل دموکراسی متجربه پیامدهای جبران‌ناپذیری می‌شود. شکست طرح آمریکایی نظم جهانی در روابط بین‌الملل از جمله در خاورمیانه نیز به اثبات رسیده است. راهبرد آمریکا در این خصوص سه حلقه داشته است: ۱. تغییر رژیم‌های ناهم‌راستا با غرب؛ ۲. ایجاد دولت‌های وفادار به غرب؛ و ۳. بازسازی نظام اقتصادی و اجتماعی منطقه در راستای منافع غرب. روندها در خاورمیانه نشان می‌دهد که این سیاست شکست خورده و همچنان که گفته شد، تبعات خسارت‌باری را نه تنها برای منطقه در پی داشته، بلکه این تبعات به سایر مناطق نیز تسری یافته و چالش‌هایی را ایجاد کرده است.

عملیات نظامی علیه داعش فقط بخشی از مشکلات را حل خواهد کرد و برای نابودی کامل این گروهک در وهله نخست باید شرایط نظام‌مندی را برای احیاء دولت‌های مرکزی در عراق، سوریه و لیبی فراهم کرد و هم‌زمان با اقدامات مختلف فرهنگی و اجتماعی از داعش در این کشورها و در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا سلب مشروعیت نمود.



درعین‌حال، باید اقدامات پیشگیرانه امنیتی و فرهنگی را برای ممانعت از قدرت‌یابی این گروهک و هواداران آن در آسیای مرکزی و افغانستان نیز مطرح نظر قرار داد. لذا، مقابله با داعش نیازمند استفاده از ترکیبی از ابزارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و باید با نگاه بین‌المللی و در چهارچوب بین‌المللی، این ابزارها و نیروهای مقابله‌کننده با داعش در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هماهنگ شوند.

اما مانع مهم برای دستیابی به این هدف و مقابله مؤثر با داعش، تناقض، اختلاف و تفاوت منافع میان بازیگران مختلف این سه سطح است. ازجمله این اختلافات و چالش‌ها میان گروه‌های داخلی می‌توان به نیروهای اپوزیسیون با دولت‌های بغداد و دمشق، در سطح منطقه‌ای میان پادشاهی‌های کشورهای عربی، ایران، ترکیه و در سطح بین‌المللی میان روسیه و کشورهای غربی (اعضاء ناتو) اشاره کرد. دراین‌بین، روسیه همواره خواهان تجمیع نیروهای کشورها و دولت‌های علاقه‌مند به کاهش تنش‌ها در خاورمیانه و ازبین بردن تهدیدات تروریستی بوده است. تحقق این اهداف در راستای منافع مسکوست؛ زیرا روسیه پس از احیاء ثبات در خاورمیانه فرصت‌های زیادی را برای توسعه روابط خود در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف با کشورهای منطقه ازجمله: کشورهای عربی به‌دست خواهد آورد.

به‌نظر می‌رسد تمهید و اجرای طرح‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی در خاورمیانه به‌عنوان جایگزینی مؤثر برای تحمیل دموکراسی با روش‌های نظامی ضرورتی غیرقابل اغماض است که با مساعدت جامعه جهانی و ازجمله روسیه طراحی و اجرا خواهد شد. این اقدامات می‌تواند به ثبات و تحکیم دولت‌های حاکم کمک کند و شرایط لازم را برای نوسازی تدریجی نظام‌های مدیریتی در منطقه با استفاده از منابع داخلی، سنت‌ها و نیز با مشارکت نیروهای مختلف مذهبی و قومی مهیا نماید.

تأخیر در اجرای این طرح جامع به‌ویژه تأخیر در اصلاحات اقتصادی در منطقه، تشدید و ماندگاری زمینه‌های بی‌ثباتی و تقابل‌های اجتماعی، مذهبی و قومی را به‌دنبال خواهد داشت. این چالش‌ها نیز به‌نوبه‌خود با اخلال در نظام اقتصادی کشورهای منطقه چرخه‌ای ادامه‌دار از مشکلات را به‌دنبال خواهند آورد. در همین بسترهاست که نیروهای رادیکال و تروریست ازجمله گروهک داعش زمینه رشد می‌یابند و بر مشکلات و چالش‌ها می‌افزایند.